

# بنزین

۵ اکتبر ۲۰۱۹

آغاز: اعلام سوخت‌های فسیلی به عنوان ابزار جرم

دارند با عموم در میان می‌گذارد: سوخت‌های فسیلی باید بی‌اعتبار شوند و به عنوان ابزار جرم اعلام شوند. این یک تحلیل نیست، یک موضع است. از هر زمان دیگری، با سرعتی بیشتر به سمت نابودی می‌رود. اما این بار لحن آغازین تندتر است. تیم نشست بنزین، موضعی را که در آن توافق آغازین با یک آیین تکرار شونده شروع می‌شود: جهان گرم‌تر از هر زمان دیگری، کثیف‌تر

تنش صحبت کردن از درون به اندازه خود بینال قدیمی است اما birbuçuk یکی از صداهای معدودی است که این را آشکارا روی صحنه می‌برد. داده درست نیست. با این حال، ارزشی که از حضور اینجا، به جریان افتادن این موضوعات، باز شدن این پلتفرم احساس می‌شود هم بیان می‌شود. سوخت‌های فسیلی است در میان نهادهای حامی بینال قرار دارند. پذیرفتن این حمایت‌ها در یک رویداد هنری که بحران آب‌وهوا را در مرکز قرار و یک اعتراف دیگر: وقتی شانزدهمین بینال استانبول افتتاح شد، با تأسف فهمیده شد که برخی شرکت‌هایی که حوزه کارشان فقط

قیمت یک لیتر بنزین

یک لیتر بنزین حدود دوازده کیلومتر جاده بین شهری می‌شود. از Yedikule تا محل بینال یازده، دوازده کیلومتر — درست معادل یک لیتر. طرف اروپایی ۶،۸۰، طرف آناتولی ۶،۸۶ لیتر. تا رقم اعشار محاسبه شده، دقتی که نشان می‌دهد حساب‌کتاب‌ها چقدر جزئی نگه‌داشته می‌شوند. یک اقتصاددان روی صحنه می‌آید. سؤالش ساده به نظر می‌رسد: یک لیتر بنزین چقدر است؟ قیمت دیروز نگاه شده — در استانبول

اکولوژیک دقیقاً حوزه‌ای است که سعی می‌کند این هزینه‌های محاسبه‌ناپذیر را دیدنی کند — و بنزین یکی از دردناک‌ترین مثال‌های این حوزه است. کند اما هیچ سیستم حسابداری نمی‌تواند تمامیت این هزینه را محاسبه کند. چون برخی قیمت‌ها را نمی‌توان به واحد پول تبدیل کرد. اقتصاد که نسل‌های آینده خواهند پرداخت، بدهکار کردن انسان‌هایی که هنوز متولد نشده‌اند. اقتصاددان می‌گوید خوب می‌داند چطور هزینه‌ها را محاسبه از لیبی تا سوریه امتداد می‌یابد. هزینه سلامتی دود آگروز که استنشاق می‌شود: آسم، سرطان، مرگ زودرس. و سنگین‌ترین — قبض آب‌وهوایی ردپای کربن زنجیره حمل و نقل، هزینه انسانی و اقتصادی جنگ‌هایی که برای نفت انجام می‌شوند — صورت حساب خونی که از ویتنام تا عراق، می‌شود دفتر محاسبات مثل بهمن بزرگ می‌شود: تخریب اکولوژیک در جغرافیاهایی که نفت از آنها استخراج می‌شود، آلودگی فرآیندهای پالایش، اما هزینه واقعی این نیست. وقتی شروع به محاسبه هزینه واقعی یک لیتر بنزین

«همه ما به نوعی بخشی از بنزین هستیم، مصرف‌کننده آن هستیم. اما ۶ لیتر ۸۰ قروش می‌پردازیم و هزینه واقعی را نادیده می‌گیریم.»

خانه‌مان می‌سوزد

می‌آید، بعضی زمزمه می‌کنند، بعضی فریاد می‌زنند. «خانه‌مان می‌سوزد. برای همین اینجا هستیم.» امید، هراس، خشم، درماندگی درهم‌تنیده‌اند. Greta Thunberg — ترجمه شده به ترکی، گاهی با تحریف، با شکستن، با تکرار. یک اجراست: کلمات یک دختر شانزده‌ساله از چند دهان بیرون صحنه تاریک می‌شود. بیش از یک صدا بلند می‌شود. کولاژی از سخنرانی‌های مختلف

«خانه‌مان می‌سوزد. هیچ بهانه‌ای برای هیچ‌کاری وجود ندارد. وقتی به عمل برخیزیم امید همه جاست.»

می‌کند و سالن خاموش گوش می‌دهد. در یازده سال آینده باید انتشار را نصف کرد. همه در این سالن این را می‌شنوند اما چند نفر با بنزین آمده‌اند؟ وقتی تنها راه می‌روم، وقتی در مترو می‌نشیم — بحران آب‌وهوا یک مسئله امنیتی، یک تهدید وجودی. نسلی که آینده‌اش دزدیده شده صحبت بزرگسالان موعظه کند. «اسم Greta است، شانزده سالم است» — این جمله با هر تکرار سنگین‌تر می‌شود. «می‌خواهم احساس امنیت کنم، شب‌ها اجرا پارادوکس چشمگیرترین Greta را روی صحنه می‌آورد: یک کودک مجبور شده به

هنر و سفیدشویی: تاریخ اعتراضات موزه

شرکت‌های نفتی، سازندگان تسلیحات با حمایت از نهادهای هنری، اعتبارشان را سفید می‌کنند. در زبان خود شرکت‌ها این «مدیریت شهرت» است. می‌گوید «اگر خودم را فعال تعریف کنم به دیگر شرکت‌کنندگان بی‌انصافی کرده‌ام» — اما آنچه روایت می‌کند خود فعالیت است. Art wash: یک موزه‌دار روی صحنه می‌آید و در حال معرفی خودش

روزهای ورود رایگان تا دهه ۱۹۹۰ ادامه می‌یابد — سپس به ترتیب به حمایت Target و Uniqlo واگذار می‌شود. جای عموم را شرکت‌ها گرفته می‌شود: یک روز در هفته ورود رایگان. MoMA دو ماه بعد با بهانه از دست دادن درآمد آن را لغو می‌کند، با اعتراضات مجبور می‌شود برگردد. این سیزده درخواست ارائه می‌دهند: حقوق هنرمند، فضای بیشتر برای هنرمندان سیاه‌پوست، دسترسی طبقه کارگر به موزه. فقط یک خواسته پذیرفته جنگ ویتنام هفتاد میلیارد دلار، مسابقه فضایی به هر آمریکایی ده دلار می‌رسد. طبقه متوسط له می‌شود. یک گروه هنرمند از MoMA فهرستی با مبارزه می‌کند — هفته پیش هم یک اقدام جدید انجام داده‌اند. موزه‌دار به عقب‌تر می‌رود — به سال ۱۹۶۹، به Artworkers Coalition. هزینه می‌شود: در هلند Fossil Free Culture، حمایت Shell از موزه Van Gogh را پایان می‌دهد. در فرانسه Liberate Louvre علیه Total شد حمایت مالی BP-Tate را پایان دهد. موزه صدها هزار عضو دارد — این پایه، بسیج افکار عمومی را ممکن می‌کند. موفقیت موج به موج پخش روایت از انگلستان شروع می‌شود: جنبش Liberate Tate، که با اعتراضات مصرانه شش‌ساله از ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۶ موفق

ضرورت است. می‌گوید نه با ده هزار عضو، بلکه با صد هزار عضو می‌توانیم حمایت نفتی را به بحث بگذاریم — موضعی که عمدا تحریک‌آمیز است. هستیم و حامی اصلی موزه‌ای که در آن کار می‌کنم یک شرکت نفتی است.» در زمینه ترکیه پایه عضوگیری موزه‌ها ضعیف است، حمایت مالی یک و سپس یک اعتراف چشمگیر: «من قبل از همه یک موزه‌دار

شرکت‌ها خیلی راحت می‌توانند وارد شوند. در این مرحله در کشورهایی که عموم مالکیتشان را دست نگرفته شکایت از این را هم درست نمی‌دانم.»  
«در مناطقی که عموم مالکیت آن را دست نگرفته

از سینوپ تا خیابان‌ها: شورش آب‌وهوایی

شد روایت می‌کند. انگیزه‌اش: دیدن آنچه Greta در پانزده سالگی به دست آورده و خواستن اشتراک در این بار به جای سپردنش به یک کودک. آخرین ارائه شخصی‌ترین است. نماینده Extinction Rebellion (شورش انقراض) ترکیه، سفری را که با تنها به خیابان رفتن شروع

رفتند در پارک بازی کنند. فعال زیر یک درخت دراز کشیده کودکان را نگاه کرده — حتی دیدن چنین چیزی در شرایط استانبول هم شادی‌آور است. اشتراک بگذاریم. اما کودکان مصمم بودند. با چنان صداقتی راه رفتند که پلاکاردهایشان را نه به سینه بلکه رو به مردم نگه داشتند، نشان دادند. بعد سازمان‌دهنده تردید داشته: نیروهای امنیتی با کودکان چطور رفتار خواهند کرد؟ خانواده‌ها عصبانی خواهند شد؟ گفته بیایید عکس بگیریم، به یک اعتصاب آب‌وهوایی سازماندهی کند. کودکان پلاکاردهایشان را آماده کرده، خودشان می‌خواستند راه بروند — گفتند «قطعا بیرون می‌آییم». قوی‌ترین لحظه داستان در سینوپ می‌گذرد. یک کودک تصمیم گرفته

کردند برای عدالت آب‌وهوایی مبارزه کنند — اما آیا ما ناخواسته باری روی دوش آنها انداختیم؟ آیا دوران کودکی‌شان را نمی‌توانند تجربه کنند؟ اما شب یک کودک برگشته گفته: «سال‌هاست اینطور بازی کودکانه نکرده بودم.» این جمله در همه فرو می‌رود. کودکان خودشان انتخاب

«کودکان واقعا بهترین کاری که می‌توانند انجام می‌دهند. نسل ما، ما بزرگسالان — آیا به اندازه کافی برای این تلاش می‌کنیم؟»

انسجام: با قطار به آنکارا

شوگ ایجاد کرده. بعد از خروج بوروکرات‌ها مدت طولانی صحبت کرده‌اند: «ببینید، واقعا هواپیما هم سوار نمی‌شوند.» انسجام متقاعدکننده است. پروتکل کیوتو جمع کرده‌اند، به مجلس رفته‌اند. در جلسه کمیسیون یک نماینده پرسیده — به آنکارا چطور آمدید؟ پاسخ «با قطار آمدیم» موج بین مصرف فردی و خشونت سیستمیک. یک محقق داستانی قدیمی روایت می‌کند: در سال ۲۰۰۷ نزدیک به صد و هفتاد هزار امضا برای تصویب به عمل برخیزند از کجا شروع کنند؟ اما پاسخ‌ها ساده نیستند. آیا کنش فردی یا تحول ساختاری؟ این تنش همان ذات شیء بنزین است — پیوند جلسه پرسش و پاسخ عمق غیرمنتظره‌ای می‌یابد. اولین سؤال ساده است: «انگیزه‌تان چه بود؟ کسانی که نمی‌توانند

مفهوم «کاپیتالوسن» را پیشنهاد می‌کند: نه آنتروپوسن، بلکه یک عصر ریشه‌گرفته از سرمایه‌داری. بدون تغییر سیستم تحول فردی کافی نخواهد بود. خدمات پیش روی‌تان قرار گیرد کاهش انتشار با تلاش فردی ممکن نیست. بدون تغییر سیاست‌ها، تأثیر اقدام فردی بر انتشارات صفر است. یک صدا نیست. تفاوت بین انرژی‌ای که در استانبول برای بازیافت صرف می‌شود با آنچه در انگلستان انجام می‌شود مثل کوه و دشت است — بدون اینکه اما کنش فردی به تنهایی کافی

Kaz سالن گسترش می‌یابد: هفته آینده در Çanakkale یک اقدام سی‌هزار نفری انتظار می‌رود، مجوز ۱۳ Alamos Gold اکتبر تمام می‌شود. دارد. کنش فردی ایجاد فشار اجتماعی می‌کند — این هم یک مکانیسم تحول است، نرم اما مؤثر. با یادآوری مقاومت علیه معدن طلا در Dağları و در سالن یک لحظه کوچک اما چشمگیر: کسی اعتراف می‌کند که در اطرافش آنقدر وگان هست که حالا از گفتن اینکه وگان نیست شرم

یک لیتر بنزین ۶ لیتر ۸۰ قروش نیست. اما هیچ‌کس نمی‌تواند حساب کند چقدر است. شاید محاسبه‌ناپذیر بودنش واقعی‌ترین قیمت بنزین باشد. وقتی نشست بنزین از سالن پراکنده می‌شود همه می‌دانند قیمت